

چندگانگی روستا و بازنمایی های متفاوت هویت جنسیتی در بخش کشاورزی (مطالعه موردی: روستاهای بخش قوشخانه، شهرستان شیروان)

رضا خسروبیگی برچلوئی¹، مصطفی قدیمی²

دانشگاه حکیم سبزواری

r.khosrobeigi@shu.ac.ir

چکیده

امروزه، تفکر غالب هویت جنسیتی در بخش کشاورزی بسیاری از روستا متمرکز بر گفتمان مردسالاری است. با این همه، هویت های متفاوت جنسیتی (نابرابری/پویایی) نیز مشهود است و در برخی از موارد زنان روستایی در کنار مردان مشغول به فعالیت هستند و در دیگر موارد به تنهایی مدیریت کشاورزی را عهده دار شده اند. مبتنی بر این استدلال که هر یک از سکونتگاه های روستایی منطق خاص خود را داشته و شبکه ای خاصی از بازیگران و نهادهای اجتماعی را در جای داده؛ به ناچار تلاش برای درک بازنمایی های متفاوت هویت جنسیتی را با موضوع چندگانگی محیط سکونتگاهی و روستابودگی همراه می سازد. بنابراین، هدف از تدوین مقاله حاضر حمایت از فرضیه بازنمایی های متفاوت هویت جنسیتی در سایه روستابودگی و چندگانگی محیط سکونتگاه روستایی بخش قوشخانه در شهرستان شیروان است. بر همین اساس، تنوع فضای روستایی مشخص و گفتمان های مختلف جنسیتی از طریق تبادل با جمعیت محلی و انجام مصاحبه نیمه ساختار یافته (Q) متدولوژی تعیین گردید. نتایج بدست آمده از منطقه مورد مطالعه نشان می دهد که اگرچه ماهیت غالب جنسیتی در بخش کشاورزی گفتمان مردسالاری است اما در چارچوب روستابودگی به صورت بازنمایی های متفاوتی انعکاس یافته و تقسیم کار کشاورزی مشترک (زن و مرد در کنارهم) و در برخی نقاط تاحدودی زن سالار را بوجود آورده است.

کلید واژه: هویت جنسیتی، روستابودگی، کشاورزی، بخش قوشخانه

1- استادیار جغرافیا و برنامه ریزی روستایی: نویسنده مسئول

2- دانشجوی کارشناسی جغرافیا و برنامه ریزی روستایی

1- مقدمه

گسترش نظام سرمایه داری و به تبع آن نوسازی بخش کشاورزی همراه با تغییر و تحول متناقض تقسیم کار جنسیتی و سلسله مراتب اجتماعی در فضای روستایی بود (Tsheola, 2014:315). در برخی از نقاط روستایی موجب تضعیف حقوق سنتی زنان و در برخی دیگر منجر به پویایی خانواده و ارتقای ادراک نسبت به نقش زنان در جامعه شد (UN women, 2008:2). در واقع، خروجی آن در انواع مختلفی از نتایج فضایی انعکاس یافته است و یا در مجموع به نتایج منحصر به فرد محلی ختم شده است (Meijering, et al, 2007:357). بنابراین، بسیاری از پژوهش‌های روستایی مرتبط با جنسیت، تحت تاثیر اشکال مختلفی از محیط‌های سکونتگاهی و "چندگانگی روستایی" قرار دارند (Little & Panelli, 2003:25) و از این نظر، مطالعات صورت گرفته از یک طرف به چشم اندازهای اجتماعی مختلف در یک مکان پرداخته اند و از طرفی دیگر گفتمان‌های اخلاقی متفاوت را - که پاسخی است به فرایندهای تغییرات روستایی - در جوامع محلی در نظر می‌گیرند (Paniagua, 2014:50). همه این روش‌ها به تدریج به سمت بررسی بیشتر موضوع "روستا بودگی"¹ سکونتگاه‌ها جهت گیری شده (Ibid, 57) که ما را به سمت بازنمایی‌های متفاوتی از هویت جنسیتی در بخش کشاورزی سوق می‌دهد و نتایج منحصر به فردی روستایی را در ارتباط با تقسیم کار اجتماعی در بخش کشاورزی به نمایش می‌گذارد. در سایه این استدلال که هر یک از سکونتگاه‌های روستایی منطق خاص خود را داشته و شبکه‌ای خاص از بازیگران و نهادهای اجتماعی را در جای داده (López-i-Gelats, et al, 2006:306)؛ به ناچار تلاش برای درک بازنمایی‌های متفاوت هویت جنسیتی را با موضوع روستا بودگی همراه می‌سازد. در واقع، ناهمگنی سازوکارهای درونی جوامع روستایی و دلالت‌های مشترکات اجتماعی، شیوه زندگی و ترجیحات فرهنگی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (Tsheola, 2014:315) و بویژه ایران، بازنمایی‌های متفاوتی از هویت جنسیتی منعکس می‌کند و نتایج متناقضی از نابرابری/پویایی زنان در عرصه فعالیت‌های کشاورزی را به نمایش می‌گذارد. بنابراین، هدف از تدوین مقاله حاضر حمایت از فرضیه بازنمایی‌های متفاوت هویت جنسیتی (نابرابری/پویایی) در سایه روستا بودگی و چندگانگی محیط سکونتگاه روستایی است که می‌تواند ملاکی برای سیاست‌گذاری‌های جنسیتی و تضمینی برای موفقیت طرح‌های اجرایی مرتبط با این موضوع در راستای بهبود کیفیت زندگی جوامع محلی باشد. در حال حاضر، تفکر غالب هویت جنسیتی در بسیاری از روستا حول محور دیدگاه "مردسالاری" تمرکز دارد و برچسب "همسر کشاورز" برای زنان بطور گسترده در مناطق روستایی مورد استفاده قرار می‌گیرد که اشاره به ازدواج زن با مرد کشاورز دارد و کار زن با ازدواج یعنی فرزندآوری و مراقبت از فرزندان و رسیدگی به کارهای خانگی تعریف می‌شود. برخی از هویت‌های متفاوت جنسیتی در بخش کشاورزی سکونتگاه‌های روستایی نیز مشاهده شده است. افتراق در میان زنانی است که یا خود را به عنوان "دستیار مرد" در مزرعه می‌دانند و یا در برخی از موارد فراتر از این رفته دیدگاهی "زن محور" و فمینیستی دارند و تثبیت هویت یک گروه بالقوه‌ای را که تسلط جنسیت خاصی را تایید می‌کند، هشدار داده اند (Bryant, 1999:237). بر همین اساس، تعدد فضایی روستاها در سطح خرد مشخص و گفتمان‌های اخلاقی مختلفی که نشان‌دهنده مواضع متنوع ساکنین محلی در مراحل تغییرات هویت جنسیتی است، معلوم می‌گردد. با استفاده از روش نیمه ساخت یافته - Q متدولوژی - ما نقطه نظرات و دیدگاه‌های متفاوت را در این مطالعه کشف و تمایزات جامعه

1- مفهوم روستا بودگی به سبک و شیوه‌های متفاوت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی اشاره دارد.

کشاورزی در درک رابطه بین فعالیت های کشاورزی و تقسیم مسئولیت ها (Davies & Hodge, 2007:325) را جهت مدیریت هویت جنسیتی در سکونتگاه های روستایی مشخص می سازیم.

2- چندگانگی روستابودگی و هویت متفاوت جنسیتی در بخش کشاورزی

با ظهور کشاورزی سرمایه داری به عنوان فعالیت غالب اقتصاد روستایی، تغییر چشم انداز داخلی جوامع محلی مبنی بر بهم خوردن روابط بین زارع و مالک و افزایش نقش دولت در مدیریت روستایی (Woods, 2003:310) تحولاتی را در هویت جنسیتی جوامع محلی بوجود آورد. بطور کلی، ساختار مزارع خانوادگی تغییر یافت و موجبات دخالت هر چه بیشتر زنان را در بخش کشاورزی فراهم آورد. بسیاری از عناصر کاشت و برداشت تحت تاثیر درجه ای از وظایف مشترک و موازی بین زن و مرد به تعادل رسید، حضور مداوم زن در زمین کشاورزی میسر گردید (Osterud, 1993:18) و سلسله مراتب تقسیم کار در فعالیت های کشاورزی¹ به نوعی محو شد. با افزایش سطح مشارکت نیروی کار زن در مزرعه، شواهدی متقن از مداومت تبعیض علیه زنان نیز بودیم که در مناطق روستایی وجود داشت. نقش های جنسیتی بطور فزاینده ای در گفتمان غالب مردسالارانه باقی مانده و با وجود اینکه در روند عمومی نوسازی سهم مسئولیت زنان در مزرعه روبه افزایش بود (Symes, 1991:87)، نوآوری های تکنولوژیک بار مسئولیت مردان را در مزارع افزایش و موجبات ترک تدریجی زنان را از فعالیت های کشاورزی فراهم کرد (Behera & Behera, 2013:135). در ایران، اصلاحات ارضی سال 1341 روابط سنتی ماقبل سرمایه داری² را در هم شکست و راه را برای نوسازی کشاورزی و ایجاد روابط سرمایه داری در بخش کشاورزی تسطیح کرد. گرچه اصلاحات ارضی به زنان واگذار ننمود و در عین حال بخش عظیمی از نیروی کار کشاورزی را از دریافت وسیله تولیدی که بر روی آن کار می کردند، محروم ساخت، اما در هر حال بر نقش زنان در کار کشاورزی تاثیر گذاشت. رابطه زمین داری ارباب- رعیتی تقریباً شکسته شد و دو رابطه عمده تولید دهقانی مستقل و نظام بهره برداری سرمایه داری ایجاد شد. در تولید دهقانی، آنجا که زمین مناسب بود، بنا بر تقسیم کار جنسیتی زن مجبور بود با سایر اعضای خانوار بر روی قطعه زمین خانوادگی کار کند. در زمین های دهقانی خرد، زنان در خارج از مزرعه خانوادگی مشغول به کار شدند. در نظام های بهره برداری سرمایه داری، از کار زنان به عنوان نیروی کار ارزان در مزارع استفاده می شد. پس از انقلاب اسلامی با وجود تغییر اندک در نظام بهره برداری، فرآیندهای توسعه کشاورزی بر نقش زنان تاثیر گذاشته است. در کشت محصولات کاربر، از زنان روستایی به عنوان منبع نیروی کار ارزان استفاده بیشتر می شود. اما در کشت محصولات سرمایه بر با بکارگیری ماشین آلات کشاورزی از به کارگیری نیروی کار زن کاسته شده است (لهسایی زاده، 52:1374-53). در برخی از بهره برداری های خرد زن دوشادوش مرد در مزارع مشغول به کار شد؛ در برخی دیگر زنان خود را به عنوان

1- در سلسله مراتب تقسیم کار زن صرفاً به امور خانه رسیدگی می کرد و در کنار کارهای خانگی مسئول نگهداری دام و طیور بود و در پاره ای از موارد نیز در کارهای مزرعه نظیر وجین کردن و برداشت محصول شرکت داشت. با تجاری شدن کشاورزی و مکانیزه شدن مزرعه در بسیاری موارد، فعالیت زنان و مردان مشترک شد و زنان همانند مردان در تمامی مراحل کاشت، برداشت، فروش محصولات و نگهداری از دام و طیورات متمرکز شدند.

2- مردان به کارهایی می پرداختند که نیاز به قدرت بدنی داشت: آبیاری، آماده سازی زمین کشاورزی، حرس کردن درختان، به چرا بردن دام ها، تهیه علوفه دام ها، پاک سازی طولیه، کارهای ساختمانی و... بخشی از کارهایی بود که توسط مردها انجام می گرفت. و از طرف دیگر رسیدگی به امور خانه با زن ها بود، جریانی از کار مداوم که تمامی نداشت: پخت و پز و درست کردن غذا، نظافت خانه، شستشوی ظروف و رخت و لباس، رسیدگی به امور طیور، دوشیدن دام ها، تبدیل شیر به فرآورده های دیگر، پختن نان، کمک کردن در میوه چینی به مردها و... در کنار نگهداری فرزندان بخشی از کارهایی بود که با کمترین امکانات انجام می گرفت و تمام وقت افراد خانه را پر می کرد (کاظم زاده، 9:1388).

کشاورز مطرح کردند و سرپرستی خانوار را عهده دار شدند. بطورکلی، برنامه های توسعه مبتنی بر نظریه نوسازی، اصولاً به ساخت جامعه، الگوی نقش ها و ماهیت خانواده مردسالارانه ای که باید فرصت های مناسب برای تغییر و نوسازی نیمی از جامعه، یعنی زنان، فراهم کند، توجه نداشت (شاپورآبادی و همکاران، 73:1386). اگرچه در مطالعات جنسیتی روستا، هژمونی مردانه، تبعیت زن از مرد و تصویری از زندگی زنان روستایی که قراردادهای سنتی نقش های را به آنها دیکته می کنند، حاکم است. با این حال، همانطور که دیدیم این تصویر متفاوت است. در برخی از مطالعات ما شاهد افزایش نقش زنان در پروژه های مختلف توسعه هستیم. بسیاری از مطالعات روستایی نیز بر دست کم گرفتن مشارکت و غفلت از نقش زنان در بخش کشاورزی اشاره کرده اند. بنابراین ما نیازمند کشف تنوع روستایی در این ارتباط هستیم و این به ما اجازه می دهد تا تفاوت در مقیاس و ابعاد ارتباطات در مکان را در مطالعات جنسیتی مناطق روستایی لحاظ کنیم (Tsheola, 2014:317). برخی از محققان چهره امروزی روستا را محصول گذار و انتقال از نظام انباشت فوردیست به پسافوردیست، از تولیدگرایی به پساتولیدگرایی و استراتژی های متنوع و چند بعدی، از صنعتی شدن به پساصنعتی شدن و اقتصاد خدماتی می دانند. در هر صورت، در دهه های اخیر - بویژه از دهه 1990 به بعد - برخی از ابهامات عمده در مورد چیستی و چگونگی روستا وجود دارد و در تغییرات روستایی بصورت همزمان هم اثرات نوسازی و ادغام در مناطق شهری و هم گرایشات محلی و سنتی تجربه می شود. این روند نه تنها به تلاش های مختلف جهت مطالعه درک تغییرات روستایی منتهی می شود، بلکه به بررسی مفهوم روستا نیز مربوط می شود (López-i-Gelats, et al, 2006:306). به همین منظور، تعداد فزاینده ای از مطالعات روستایی بر اهمیت گفتمان "روستابودگی" جهت بازسازی هویت و نهادینه کردن واقعیت های جدید در محیط روستایی تاکید کرده اند. برای مثال، در زمینه تجدید ساختار روستایی (Hoggart and Paniagua, 2001)، تنازعات روستایی (Woods, 1998)، استراتژی های دولتی توسعه روستایی (Herbert-Cheshire, 2000)، بازسازی بازنمودهای قدرت و ترویج گروه های ذینفع (Woods, 1997; Woodward, 1999) و اقتصادسیاسی دولت - ملت و ظهور چشم اندازهای متفاوت روستایی (Goodwin, 1995, Marini & Mooney 2006) (Svendsen, 2004:83). در این میان، بحث جامع جهت گردهم آوردن اشکال مختلف اندیشه روستایی توسط کیت هالفاکری (2006) و با تاسی از نقطه نظرات هانری لوفور و همچنین دیوید هاروی صورت گرفته است. هاروی (1996) تمرکز بر شکل گیری مکان/موقعیت های خاص (روستایی) در فضای سرمایه داری معاصر دارد. چیزی که ثابت نسبی داشته و بوسیله جریان های مختلف (اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی، بیولوژیکی) ایجاد می شود. بنابراین، برای هالفاکری فضایی روستایی به مثابه تداوم تولید سرمایه داری شناخته می شود. ضمن اینکه، برای اجتناب از بت وارگی روستایی درک شخصیت چندوجهی سکونتگاهی در درون این مکانیسم را نیز ضروری می داند و اینکه چگونه همواره به چالش کشیده شده و بازسازی می گردد. به همین منظور، هالفاکری به سه گانه فضای لوفور¹ گرایش دارد و آن را نه به عنوان نظریه جدید بلکه به منزله یک مدل پیچیده ای از فضای روستایی ارائه

1- لوفور فضا را واجد سه دقیقه (در مفهوم دیالکتیکی) می بیند، که تمام این دقایق با هم رابطه ای دیالکتیکی برقرار می کنند. او از این جهت این سه دقیقه را در فضا کشف می کند. چون، نمود طبقاتی و روابط اجتماعی آن را در فضایی که آن روابط درون آن قرار گرفته اند، می بیند. این سه دقیقه عبارتند از:

1- **روال فضایی:** روال فضایی به عنوان نوعی فضاگونگی، تعریف می شوند که تولید و بازتولید و جایگاه ها و چیدمان های فضایی، ویژگی هر ریختار فضایی را در برمی گیرد. روال فضایی، استمرار و تا حدی انسجام را ضمانت می کند و دال بر یک سطح ضمانت شده از رقابت و سطح خاصی از عملکرد است. روال فضایی یک جامعه، فضای آن جامعه را تراوش می کند. روال های فضایی واقعیت زیسته را ساختار می دهند، که شامل مسیرها و شبکه ها، الگوها و میان کنشهایی که مردم و مکان ها، تصاویر و واقعیت و در نهایت کار و تفریح را به هم مرتبط می کند. روال های فضایی تولید و بازتولید، صورت معقول و اجراء پنداشته به همان اندازه زیسته، را در بر می گیرد. این روال ها تا حدودی پیوستگی، استمرار جامعه گانی و شایستگی فضایی را تضمین می کنند.

می دهد و بر لحاظ نمودن جنبه های مختلف و درهم پیچیده فضا به عنوان یک کل در روش شناسی تحقیقات روستایی تاکید می نماید (Heley & Jones, 2012:211). در این میان هالفاکری این سه جنبه از فضای روستایی را پیشنهاد می دهد:

- 1- **موقعیت های روستا** که محاط در روال های فضایی متمایز از نظر فعالیت های تولید/ و یا مصرف است؛
- 2- **بازنمودهای رسمی روستا** که بوسیله علایق نظام سرمایه داری، چرخش فرهنگی، برنامه ریزان و سیاستمداران ابراز می شود؛
- 3- **زندگی روزمره روستا** که با سطوحی از ثبات/انعطاف ذهنی و متنوع است و مقوله های دیگر را نقض می کند (Halfacree, 2007:127).



شکل 1. مدل کلیت ترکیبی فضای روستایی

از آغاز قرن حاضر، شاهد رشد روزافزون پژوهش درباره هویت زن و مرد در مناطق روستایی هستیم. در این ارتباط، تنوع هویت های روستایی تعیین و همچنین محدودیت های جنسیتی مربوط به شیوه زندگی خاص و خصوصیات ارتباطی زن و مرد مشخص گردیده است (Forsberg & Stenbacka, 2013:3). لیتل (2006)، به سه دیدگاه در مورد نقش زنان در کشاورزی در سه دوره مختلف اشاره می کند: در دوره اول (دهه 1970)، زنان به کارخانگی پرداخته و در پاره ای موارد به مرد در کارهای کشاورزی کمک می کرد. در دوره دوم (دهه 1980)، شاهد حضور بیشتر زنان در فعالیت های مزرعه و کارهایی که به اقتصاد خانوار کمک می کند، هستیم. در دوره اخیر (از سال 1990 به بعد)، زن به عنوان یک کارآفرین، مسئولیت اداره مزرعه را به عهده دارد و درگیر در فرایند تصمیم گیری است؛ اگرچه هنوز دیدگاهی پدرسالارانه در مزرعه حاکم است (Chiappini & De Rosa, 2011:57). در گفتمان

2- بازنمودهای فضا: بازنمودهای فضا یک فضای مفهومی شده یا معقول را تعریف می کنند. فضای دانشمندان، برنامه ریزان، شهرگراها، تقسیم کنندگان تکنوکرات در این فضا جای می گیرد. این فضا، نوع خاصی از فضای هنری است، که گرایشی علمی نیز در آن دیده می شوند. این فضای معقول همچنین به روابط تولید و به خصوص به نظم یا طراحی که آن روابط تحمیل می کنند، گره خورده است. چنین نظمی از طریق کنترل دانش، نمادها و کدها بر ابزار رمز گشایی روال فضایی و در نتیجه تولید دانش فضایی اعمال می شود. این فضا، فضای مسلط در هر جامعه (شیوه تولید) است: انبار ذخیره قدرت شناخت شناسانه تعبیری است که لوفور برای نقد شناخت شناسی مسلط بر برنامه ریزی فضایی استفاده می کند.

3- فضای بازنمود: فضاهای بازنمود در عین اینکه متمایز از دو فضای دیگر است اما آن ها را در بر می گیرد. فضاهای بازنمود، سمبلیسم های پیچیده به وجود آورنده رمز و بدون رمز، را تن مند و متبلور می سازند. آن ها به بخش سری یا زیر زمینی زندگی اجتماعی پیوند خورده اند. فضای بازنمود واجد نوعی رازگرایی، ناکلامی ناهشیار و امر درک ناپذیر است و به این ترتیب در بسیاری از تحلیل ها درک بصیرت ها و اعماق موجود در این فضا می تواند راهگشا باشد. به طور دقیق در این جا فضا به همراه تمام خودسری های تمام عیار خود "زیسته" است. این فضای در پهنه تصورات و نمادهایی که با آن همراه می شوند کشیده می شود. این فضا، فضای زیست کنندگان و کاربران است. فضای زیسته، در واقع فضایی است که فارغ از اندیشه شهرسازی و برنامه ریز تجربه می شود و گاهی جایگاه مقاومت در برابر فضای معقول است. این کاربران از مردم تا دانش مندان و روانکاوان، جامعه شناسان و فلاسفه را در برمی گیرد. این فضا تحت تسلط است (قدرت مهار کننده فضای معقول در همین فضاست). بنابراین، منفعلانه تجربه می شود یا در معرض (به معنای عام کلمه) قرار می گیرد (فضایی که تصور کلامی یا غیر کلامی به دنبال تغییر و بسند کردن آن است). این فضا، فضای فیزیکی را در برمی گیرد و از ابژه های آن استفاده نمادین می کند (جوان و همکاران، 1392).

"مردسالاری"، کشاورزی صرفاً شغلی است مردانه و زنان جایگاهی در آن ندارند. این تابعیت زنان را می‌رساند و در سایه بازتولید اجتماعی زنان روستایی را در مقام همسر قرار می‌دهد و به محیط خانه محدود می‌سازد. تفکر بیولوژیکی در این دیدگاه حاکم می‌باشد و فیزیک بدنی و قوای جسمانی زن را قادر به انجام فعالیت‌های کشاورزی نمی‌داند (Trauger, et al, 2008:434). در گفتمان "مزارع خانوادگی"، زن در کنار مرد کمک‌حالی برای انجام فعالیت‌های کشاورزی می‌باشد و به عنوان دستیار مرد در زمین محسوب می‌شود. مزارع خانوادگی ساختاری پدرسالارانه دارد و براساس تقسیم کار جنسیتی، زن ضمن رسیدگی به امور خانه می‌تواند در کار کشاورزی مفید واقع شود هرچند نوع کارهایی که انجام می‌دهد بطور قابل توجهی متفاوت با کار مرد در مزرعه است (Brandth, 2002:184). گفتمان "سنت زدایی شده و کثرت‌گرا" به درک مشارکت زنان در مزرعه رسیده و در پی تغییر ماهیت روابط زن و مرد در روستا به زنانه یا فمینیزه کردن فضای کشاورزی فکر می‌کند (Keller, 2014:79).



شکل 2. مدل عمومی فضای جنسیتی کشاورزی در سکونتگاه‌های روستایی

3- منطقه مورد مطالعه

بخش قوشخانه در استان خراسان شمالی واقع و از توابع شهرستان شیروان می‌باشد. بخش قوشخانه از شمال با جمهوری ترکمنستان و بجنورد و از جنوب با دهستان تکمران و از شرق با دهستان جیرستان بخش سرحد و از غرب با شهرستان بجنورد هم‌جوار بوده و دارای 2 دهستان به نام‌های قوشخانه بالا و قوشخانه پایین می‌باشد. وسعت بخش قوشخانه شیروان در حدود 632 کیلومتر مربع می‌باشد و مرکز آن شهر ینگگی قلعه علیا که در فاصله 50 کیلومتری شهر شیروان واقع گردیده است. بخش قوشخانه دارای 30 روستای دارای سکنه و 11125 نفر جمعیت است. مردم قوشخانه با لهجه‌های شیرین ترکی و کرمانجی صحبت می‌کنند. براساس مشاهدات میدانی و مطالعه نقشه‌های توپوگرافی و زمین‌شناسی، منطقه به 3 تیپ واحد کوهستان، تپه ماهور و دشت و رودخانه تفکیک می‌گردد. بخش قابل ملاحظه‌ای از دهستان مورد مطالعه را واحد کوهستانی تشکیل داده است. واحد تپه ماهور نیز در مناطق پایکوهی و در بخش میانی و شمالی دهستان گسترش دارد. واحد رودخانه و دشت مشتمل بر پهنه‌های کم شیب قرار دارد. بخش کشاورزی مهمترین رکن اقتصادی بخش قوشخانه محسوب می‌شود. عمده‌ترین فعالیت‌های کشاورزی مرسوم در منطقه شامل زراعت، باغداری و دامداری است. عمده‌ترین نظام مالکیت اراضی در بخش قوشخانه نظام بهره‌برداری خرده مالکی می‌باشد که اکثراً به صورت بهره‌برداری خانوادگی دیده می‌شود. علاوه بر این نظام‌های مالکیتی دیگری مانند اجاره‌ای و بزرگ مالکی مشاع نیز در بخش دیده می‌شوند. وسعت بهره‌برداری‌ها، درجه تفرق یا تمرکز بهره‌برداری‌ها در بین روستاها یکسان نبوده و متأثر از شرایط اقلیمی و برخی عوامل دیگر هر یک از روستاهاست. همانطور که بالا نیز به آن اشاره شد، هدف از مطالعه حاضر تشخیص بازنمایی‌های متفاوت هویت جنسیتی در ارتباط با تعدد روستابودگی و وجود اشکال

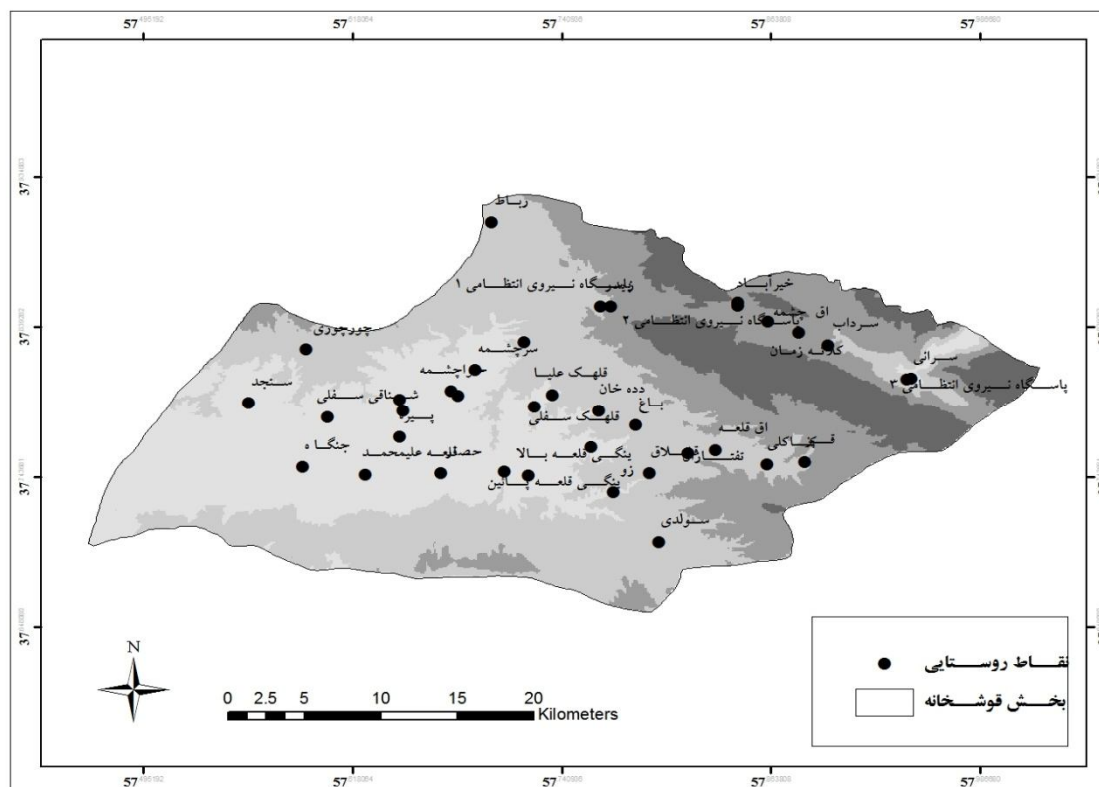
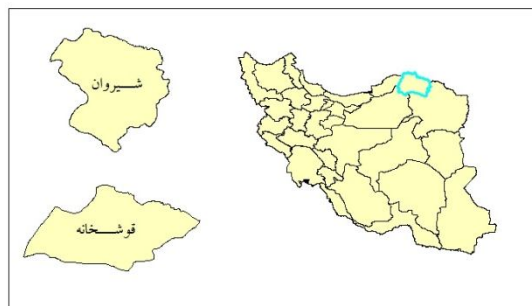
اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

مختلف محیط سکونتگاهی در مناطق روستایی است. مبتنی بر ادبیات تحقیق، فضای روستایی و رفتاری منطقه مورد مطالعه در سطح خرد منعکس کننده مثلث سه گانه فضای روستابودگی است و با تقسیم بندی فضای روستایی **هالفاکری** منطبق است

جدول 1. مشخصات کلی منطقه مورد مطالعه (1390)

شهرستان	بخش	دهستان	مساحت (کیلومتر مربع)	جمعیت	خانوار	تعداد روستا	جمعیت به تفکیک جنسیت		مساحت اراضی کشاورزی (هکتار)
							زن	مرد	
شیروان	قوشخانه	قوشخانه بالا	441	6229	1680	19	3229	3000	16614
		قوشخانه پایین	362	4896	1290	11	2556	2340	11400
		مجموع	803	11125	2970	30	5785	5340	28014

منبع: مرکز آمار ایران و اداره جهاد کشاورزی

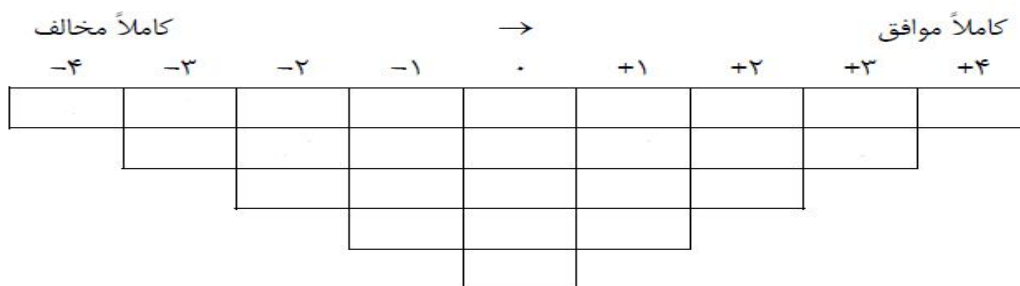


شکل 3. نقشه منطقه مورد مطالعه

4- مواد و روش

در این تحقیق از روش Q جهت بازنمایی تفاوت های جنسیتی در بخش کشاورزی روستاهای بخش قوشخانه استفاده شده است. این روش توسط ویلیام استفنسون در دهه 1930 میلادی اختراع شد و با گذشت بیش از 80 سال، در قالب روش تحقیق علوم اجتماعی کمتر مورد استفاده قرار گرفته و شناخته شده نیست (Barry & Proops, 1999:338). روش Q می تواند به عنوان پایه و اساس علم ذهنی در نظر گرفته شود و هدف آن حذف پیش داوری و گرایش های اعمال شده توسط محقق و آزادی نمونه های مورد مطالعه در اظهار نظر درباره وضعیت خود می باشد (Davies & Hodge, 2007:325). این روش اغلب با تجزیه و تحلیل کمی همراه و بوسیله تحلیل عاملی صورت می گیرد. با این حال، استفنسون علاقه مند آشکارسازی ذهنیت افراد در هر وضعیت بود و روش Q را برخلاف خروجی کمی آن بیشتر با پیش زمینه فکری بررسی های کیفی طراحی کرده بود (Rajé, 2007:467).

روش Q در پنج مرحله اجرا می گردد: (1) شناسایی موارد مرتبط با موضوع جهت ارزیابی اظهار نظر شرکت کنندگان (محل اجماع) (2) طراحی موارد مرتبط با موضوع جهت ارزیابی اظهار نظر شرکت کنندگان (ساخت مجموعه Q) (3) مرتب سازی موارد مورد نظر توسط شرکت کنندگان در مقیاس "بیشترین موافقت" و "بیشترین مخالفت" در قالب شبکه (شکل 4) (4) تجزیه و تحلیل آماری (براساس آزمون مولفه های اصلی - تحلیل عاملی) و مرتب سازی اظهارات به منظور تشخیص گفتمان غالب در میان پاسخ دهندگان و (5) تفسیر نتایج شفاهی در رئوس مطالبی که با ویژگی های موجود در هر گفتمان مشخص شده است و مقبولیت و مخالفت پاسخ دهندگان را در ارتباط با آن نشان می دهد (Zografos, 2007:40). بنابراین، در گام اول باید فضای گفتمان پژوهش جمع آوری شود؛ یعنی "مجموعه ای" از مطالب متنوع و گوناگون مرتبط با موضوع پژوهش که در میان اهالی (افرادی که مطالعه Q درصدد شناسایی ذهنیت آنان نسبت به موضوع پژوهش است). مبتنی بر سه گفتمان مطرح شده در ادبیات تحقیق 50 عبارت جمع آوری شد که با انجام تغییرهای لازم برای روایی عبارت ها مانند حذف عبارت های مشابه و تکراری یا رفع ابهام آنها، تعداد 31 عبارت به عنوان عبارت های نهایی نمونه Q در پژوهش حاضر انتخاب شد که در جدول شماره 2 این عبارات مشخص شده اند. کد هر کدام از این عبارات های نمونه کیو در کارت های Q که محاسبه ها و تحلیل های بعدی براساس این کدها انجام می شود، در این جدول آمده است. به طور معمول، در روش Q انتخاب بین 20 تا 80 نمونه از افراد مورد بررسی برای دستیابی به دیدگاه های مختلف نسبت به یک موضوع کفایت می کند (پارسا و همکاران، 12:1391). بنابراین انتخاب مشارکت کنندگان از طریق روش های نمونه گیری احتمالی انجام نمی شود بلکه نمونه افراد معمولاً به طور هدفمند و با اندازه ای کوچک انتخاب می شود که در پژوهش حاضر از تعداد 90 نفر به عنوان مشارکت کنندگان پژوهش در سکونتگاه های روستایی انتخاب شدند. این انتخاب به کمک تلفیقی از نمونه گیری هدفمند و غیراحتمالی انجام شد. در مرحله بعد از مشارکت کنندگان خواسته شد تا براساس دستورالعمل مرتب سازی Q اقدام به قرار دادن هرکدام از کارت ها روی نمودار Q کنند. برای انجام این پژوهش از نمودار Q با توزیع شبه نرمال با توزیع اختیاری استفاده شده است به طوری که برای مثال مشارکت کنندگان در مورد هر عبارت Q می توانند هر نظری اعم از موافق یا مخالف داشته باشند یا در مورد آنها مردد باشند.



شکل 4. شبکه مرتب سازی Q

این نمودار برای قرار دادن 31 عبارت Q توسط مشارکت کنندگان از درجه -4 که به معنای مخالفت کامل با عبارت مورد نظر است تا +4 که به معنای موافقت کامل با عبارت Q مدنظر است، تعبیه شده بود. پس از مرتب سازی کارت ها توسط مشارکت کنندگان پژوهش، نحوه امتیازدهی هر کدام از مشارکت کنندگان، توسط فرم مخصوصی که برای این منظور طراحی شده بود، ثبت گردید. آلفای کرونباخ برای این پژوهش 0/631 می باشد که بیانگر قابلیت اعتماد نسبت به عبارت های Q است.

5- نتایج تحقیق

داده های مرتب سازی در سکونتگاه های روستایی در نرم افزار PQ Method وارد شد تا به کمک تحلیل عاملی Q ذهنیت مختلف ساکنین محلی شناسایی شود و به کمک آن به سوال اصلی تحقیق پاسخ داده شود. در این نرم افزار عامل ها به روش واریماکس که نوعی چرخش متعامد است، چرخش یافتند. جدول کل واریانس تبیین شده نشان می دهد، نرم افزار با توجه به دیدگاه روستاییان روی هم رفته سه عامل را شناسایی و این سه عامل در حدود 56 درصد واریانس را پوشش می دهد که عوامل اول و دوم مهم تشخیص داده شده و قابلیت تطبیق با روستابودگی و تعدد فضای سکونتگاهی منطقه مورد مطالعه را دارا می باشند. همان طور که در جداول 2 و 3 مشاهده می شود، وضعیت عمومی منطقه نشان از غالبیت گفتمان مردسالار و تبعیت زن از مرد دارد. این درحالی است که شکل و فرم تقسیم کار اجتماعی در روستاهای مورد مطالعه با توجه تنوع روستابودگی متفاوت می باشد. اظهارات متمایز بیانگر وجود گفتمان های متمایز در سکونتگاه های روستایی است که نیاز به تحلیل ترجیحات متنوع ساکنین محلی را اجتناب ناپذیر می سازد.

جدول 2. عبارت های مرتب سازی Q و رتبه بندی آنها بوسیله امتیازات عاملی

کد	عبارت های نمونه	عامل 1 گفتمان مردسالاری	عامل 2 گفتمان مزارع خانوادگی
1	کشاورزی شغلی است مردانه و زنان در پاره ای از موارد (مانند وجین کردن و...) در آن فعالیت داشته باشند.	1/132	1/178
2	وظیفه اصلی زن کارخانگی (خانه داری، مراقبت از فرزندان و نگهداری دام) است، اما می تواند در کنار آن به فعالیت های کشاورزی هم بپردازد	1/179	1/304
3	مرد در کنار کارهای کشاورزی می تواند در امور خانه و نگهداری دام و... کمک حال زن باشد.	1/250	-0/377
4	مشارکت زن در کنار مرد در امور کشاورزی می تواند منافع زیادی را برای خانواده کسب کند.	1/155	0/223
5	زنان روستایی بدون توجه به زرق و برق زندگی امروزی (زندگی به سبک شهر و راحت طلبی) به همسرانشان در امور کشاورزی کمک می کنند.	0/786	-1/967

اولین همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی

0/204	0/927	سختی کار کشاورزی برای مرد با کمک زن می تواند کاهش یابد.	6
1/511	-1/631	زن در کنار مرد می تواند در تعیین نوع محصول و فروش آن مشارکت داشته باشد.	7
-1/249	-0/771	مشارکت در امور کشاورزی برای زن لذت بخش است.	8
-0/407	0/731	زن در نبود مرد (مهاجرت فصلی به شهر به منظور کار) می تواند امور کشاورزی را بدست بگیرد و مزرعه را اداره کند.	9
1/040	-0/514	کشاورزی شغلی است مردانه و زن نباید در آن دخالتی داشته باشد.	10
-0/197	0/216	این مردان هستند که تصمیم می گیرند و زنان چاره‌ای جز اطاعت ندارند.	11
0/412	0/308	زن از لحاظ فیزیکی بدنی و قوای جسمانی برای انجام فعالیت کشاورزی ساخته نشده است.	12
1/370	0/034	زن باید به کارخانگی، به ویژه خانه‌داری و مراقبت از کودکان بپردازد.	13
0/741	0/403	کشاورزی فعالیتی سنگین و طاقت فرساست و برای سلامتی زن مضر است.	14
-0/081	-2/219	مرد اجازه نمی دهد زن در کارهای کشاورزی شرکت کند و تاکید دارد که وظیفه زن باید رسیدگی به امور خانه باشد.	15
0/470	-0/838	زن از پس کارهایی چون آبیاری و کشت محصول بر نمی آید.	16
0/403	-0/487	نباید انتظار داشت مرد هم بیرون از خانه و هم در خانه کار کند.	17
0/308	0/532	مالکیت زمین کشاورزی باید از آن مرد باشد.	18
-0/833	-0/345	مردان صلاح خانواده را بهتر تشخیص می دهند.	19
1/203	-0/864	زنان باید به کار در خارج مزرعه نظیر (خیاطی، آرایشگری، صنایع دستی و...) بپردازند.	20
-0/382	0/290	سطح سواد زن به جایی نرسیده است که به امور کشاورزی بپردازد و مهارت بکارگیری از ماشین آلات و ادوات کشاورزی را ندارد.	21
0/413	0/704	زن توانایی این را دارد تا به تنهایی امور کشاورزی را مدیریت کند.	22
-0/548	-0/791	زن توانایی و مهارت این را دارد از ماشین آلات و ادوات کشاورزی استفاده کند.	23
-1/188	0/776	زنان از منابع بانکی و تسهیلات وام در امور کشاورزی استفاده می کنند.	24
-1/935	-1/487	زنان روستایی حضور فعال در کلاس های ترویجی و آموزشی کشاورزی دارند.	25
-0/126	0/911	زنان در تهیه نهاده های کشاورزی مشارکت دارد.	26
-0/343	0/929	زنان تمامی مراحل کاشت، آبیاری و برداشت کشاورزی را به عهده گرفته اند.	27
1/523	-1/866	فروش محصولات کشاورزی به عهده زن می باشد.	28
-1/453	-1/182	زنان برای حل مشکلات کشاورزی بطور مداوم با ادارات و سازمان های دولتی در ارتباط اند.	29
-1/398	-0/235	زنان برای تهیه لوازم مورد نیاز کشاورزی به مراکز شهری رفت و آمد می کنند.	30
0/229	0/971	دخل و خرج خانواده به عهده زن می باشد.	31

1-5- موقعیت های فضای روستایی و هویت جنسیتی در بخش کشاورزی

این چشم انداز از فضای روستایی بازنمایی های متفاوتی از هویت جنسیتی و تقسیم کار اجتماعی را در خود جای داده است. در فضای روستایی دشتی که کشاورزی رونق دارد و شرایط برای ارتقای این بخش فراهم است؛ گفتمان مردسالاری تسلط دارد (گفتمان مردسالاری 60 درصد از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است) و تبعیت زن از مرد در تقسیم کار اجتماعی مشهود می باشد. استقرار بهره برداری های بزرگ مقیاس و استفاده از ماشین آلات و ادوات کشاورزی به ترویج روحیه مردسالاری کمک نموده و زنان روستایی را به عنوان همسر کشاورز محدود به فعالیت های خانگی و کارهای خارج از مزارع نموده است. در واقع،

زنان روستایی تنها در پاره ای از موارد می توانند در فعالیت های کشاورزی دخالت داشته باشند و ماهیت کارهای اعطایی سبک و بصورت مقطعی است که حضور دائم زنان را در این بخش نقض می کند. در سکونتگاه های تپه ای و پایکوهی شاهد تعادل در تقسیم کار کشاورزی بین مردان و زنان روستایی هستیم (گفتمان مزارع خانوادگی 53 درصد از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است) و با اینکه که تسلط مردسالاری نیز دیده می شود اما زنان روستایی نیز در بیشتر مواقع در مزرعه حضور داشته و در برخی از موارد مسئولیت های دائمی را عهده دار هستند به گونه ای که تداعی گر تقسیم کار در مزارع خانوادگی و تفکر پدرسالارانه است. درواقع، زنان روستایی ضمن انجام کارهای خانه مسئولیت هایی نیز در زمین های کشاورزی دارند. در مناطق کوهستانی اگرچه ساختار اصلی مزارع در قالب بهره برداری های خانوادگی است (گفتمان مزارع خانوادگی 66 از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است) و مردان و زنان در کنار هم به امور کشاورزی می پردازند، ولی حضور مردان در مزرعه صرفا محدود به برداشت و فروش محصولات شده است و زنان روستایی عهده دار تمامی مسئولیت های کشاورزی می باشند. درواقع، کوچک بودن مقیاس و محدودیت های طبیعی کشاورزی را به شغلی کم درآمد تبدیل نموده است و مردان را مجبور به انجام کارهای غیرکشاورزی در خارج از روستا و در مناطق شهری کرده است و در این میان زنان روستایی جهت کمک به خانواده و جلوگیری از بلااستفاده ماندن زمین های زراعی به تنهایی مدیریت مزارع و اراضی باغی را بر دوش گرفته اند. سرپرستی فرزندان و دخل و خرج خانواده در این نوع از بهره برداری ها به عهده زنان روستایی است، درحالی که مردان روستایی نیز به تمامی امور زندگی نظارت کامل دارند.

جدول 3. سکونتگاه های روستایی مشارکت کننده و اعداد استخراجی برای هر یک از عوامل: تیف Q و ضرایب Z-score

کد	عبارت های نمونه	عامل 1	عامل 2
1	اق قلعه	0(-0/402)	0(-0/258)
2	امیرخان	0(0/066)	-1(-1/962)
3	باغ	-1(-0/647)	1(1/336)
4	تفتازان	1(-0/023)	-1(0/034)
5	حصار	0(0/022)	1(1/418)
6	خیرآباد	-1(-0/975)	0(-0/387)
7	دده خان	1(0/104)	-1(-1/423)
8	زو	0(-0/203)	0(-1/486)
9	زیدر	-1(-1/002)	0(0/468)
10	سرانی	-2(-2/033)	0(2/317)
11	سرداب	-2(-1/996)	-1(-0/924)
12	سولدی	3(2/245)	0(0/227)
13	قپز	0(-0/700)	1(0/055)
14	قلهک سفلی	1(1/689)	0(1/307)
15	قلهک علیا	1(0/646)	-1(-0/917)
16	کاکلی	1(1/221)	0(-0/834)
17	کلاته زمان	0(-0/430)	0(0/468)
18	نگی قلعه بالا	1(1/059)	1(-0/488)
19	ینگی قلعه پائین	2(1/231)	0(1/049)

0(-0/049)	0(-0/174)	برزلان سفلی	20
0(-1/302)	0(0/390)	برزلان علیا	21
-1(0/053)	0(0/018)	پیره	22
0(-0/751)	1(0/420)	جنگاه	23
0(0/509)	0(-0/565)	چورچوری	24
0(0/473)	0(0/056)	حلوچشمه	25
(1/147)	1(-0/328)	رباط	26
0(-0/111)	0(0/388)	سنجد	27
0(-0/935)	0(-0/647)	شناقی سفلی	28
0(-0/803)	0(0/150)	شناقی علیا	29
0(0/103)	0(-0/580)	قلعه علیمحمد	30

2-5- بازمودهای صوری فضای روستایی و هویت جنسیتی در بخش کشاورزی

تقسیم کاربری اراضی در این چشم انداز از فضای روستایی بازنمایی های متفاوتی از هویت های جنستی را در بخش کشاورزی به نمایش گذاشته است که بیانگر جدایی قلمرو خدماتی دولت و بدنه اجتماعی است. در واقع، دولت مدرن با تفکر سرمایه داری به برنامه ریزی برای نهادینه شدن کشاورزی بزرگ مقیاس گرایش دارد و بهره برداری خرده مالکی را ناکارا و سنتی می داند. هویت غالب در سکونتگاه های روستایی دارای کشاورزی بزرگ مقیاس گفتمان مردسالاری می باشد (گفتمان مردسالاری 57 درصد از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است) و نفوذ نظام سرمایه داری و تمایل به کشاورزی تجاری تقسیم کار سنتی را بهم زده و محیط کار کشاورزی را صرفا متعلق به مردان روستایی نموده است. در تقسیم کار سنتی زن همراه با خانه داری و تربیت فرزندان به امور نگهداری از دام و طیور رسیدگی می کرد و در برخی از موارد هرچند ناچیز در زمین کشاورزی حضور داشت. با ورود تکنولوژی جدید و تجاری شدن کشاورزی برنامه ریزی بطوری بود که ایدئولوژی مردانه بودن فعالیت کشاورزی باید حاکم می شد و نقش زنان در حاشیه قرار گیرد. در بهره بر داری های دهقانی و خرده مالک گفتمان غالب به سمت فعالیت مشترک مرد و زن در بخش کشاورزی (گفتمان مزارع خانوادگی 60 درصد از پاسخ ها را به خود اختصاص داده است) چربش دارد. سکونتگاه های روستایی دارای بهره برداری خرده مالکی بوسیله جریان نوسازی و نفوذ نظام سرمایه داری از گود خارج شده اند و تنها به واسطه دوری از مراکز جمعیتی و وابستگی برخی از ساکنین به کشاورزی و برخی دیگر به طبیعت پابرجا مانده اند. همانطور که در موقعیت های فضای روستایی نیز اشاره شد در خرده مالکی تپه ای مرد و زن در کنار هم و در قالب مزارع خانوادگی از بخش کشاورزی ارتزاق می کنند و در خرده مالکی کوهستانی زنان عهده دار مسئولیت های کشاورزی هستند و مردان به علت ناچیز بودن درآمد به فعالیت های غیرکشاورزی و کار در شهر روی آورده است.

3-5- زندگی های روزمره روستایی و هویت جنسیتی در بخش کشاورزی

این چشم انداز از فضای روستایی بیش از هویت مکانی بسته به منافع فردی و محدودیت های روزمره زندگی است. در واقع، این نوع از روستابودگی بر علیه نظم مسلط در فضاست و خلاف روال معمول عمل می کند و حاوی ترجیحات ذهنی متنوعی است که

بر گرایش‌های رادیکالی برخی از سکونتگاه‌های روستایی صحنه می‌گذارد. بر همین اساس، ما شاهد بازنمایی‌های متفاوت از هویت جنسیتی در سکونتگاه‌های روستایی بخش قوشخانه هستیم که گویای ویژگی‌های مکانی منطقه نبوده و فارغ از هرگونه سازوکارهای برنامه ریزی دولتی می‌باشد و نتایج منحصر به فردی از تقسیم کار کشاورزی را به نمایش گذاشته است. نتایج بدست آمده از تحلیل عاملی Q توزیع چندگانگی سکونتگاه‌های روستایی در بازنمایی‌های هویت جنسیتی را خارج از تعلقات مکانی و ذهنیت برنامه ریزی دولتی در دو عامل نشان می‌دهد و بیانگر ایجاد فضاهای روستای علیه نظام مسلط و انعکاسی از ترجیحات متفاوت ساکنین محلی در ارتباط با هویت زن در بخش کشاورزی است.

جدول 4. توزیع سکونتگاه‌های روستایی در بازنمایی‌های هویت جنسیتی عامل‌های دوگانه

عامل	سکونتگاه‌های روستایی
عامل (1) گفتمان مردسالاری	آق قلعه (تپه ماهور، خرده مالک)، تفتازان (تپه ماهور، خرده مالک)، خیرآباد (کوهستانی، خرده مالک)، دده خان (تپه ماهور، خرده مالک)، زو (کوهستانی، خرده مالک)، زیدر (تپه ماهور، بزرگ مالک)، سرانی (کوهستانی، خرده مالک)، سرداب (کوهستانی، خرده مالک)، قیز (کوهستانی، خرده مالک)، قلهک علیا (دشتی، بزرگ مالک)، کلاته زمان (کوهستانی، خرده مالک)، برزلان سفلی (تپه ماهور، خرده مالک)، پیره (تپه ماهور، خرده مالک)، جنگاه (دشتی، بزرگ مالک)، چورچوری (تپه ماهور، خرده مالک)، حلواچشمه (تپه ماهور، خرده مالک)، رباط (دشتی، بزرگ مالک)، سنجد (دشتی، بزرگ مالک)، قلعه محمد (تپه ماهور، خرده مالک).
عامل (2) گفتمان مزارع خانوادگی	امیرخان (تپه ماهور، خرده مالک)، باغ (تپه ماهور، خرده مالک)، حصار (دشتی، بزرگ مالک)، سولدی (دشتی، بزرگ مالک)، قلهک سفلی (دشتی، بزرگ مالک)، کاکلی (کوهستانی، خرده مالک)، ینگلی قلعه بالا (دشتی، بزرگ مالک)، ینگلی قلعه پایین (دشتی، بزرگ مالک)، برزلان علیا (تپه ماهور، خرده مالک)، شناقی سفلی (تپه ماهور، خرده مالک)، شناقی علیا (تپه ماهور، خرده مالک).

4-5- مقایسه میانگین‌های ارکان فضای سه گانه روستابودگی و هویت‌های متفاوت جنسیتی در بخش کشاورزی

مقایسه میانگین‌های عناصر روستابودگی گواهی بر چندگانگی سکونتگاه‌های روستایی و بازنمایی‌های متفاوت جنسیتی در بخش کشاورزی است. نتایج بدست آمده از آزمون تحلیل واریانس در روستابودگی موقعیت‌های فضای روستا نشان از تفاوت روستاهای واقع در نواحی دشتی و سکونتگاه‌های روستایی کوهستانی با ضریب $1/62$ و سطح معناداری $0/000$ در بازنمایی هویت‌های جنسیتی در گفتمان مردسالاری دارد. ضمن اینکه، این آزمون در گفتمان مزارع خانوادگی نیز تفاوت بین سکونتگاه‌های روستایی دشتی و کوهستانی را در تقسیم کار جنسیتی با ضریب $2/03$ و سطح معناداری $0/018$ را تایید می‌نماید. نتایج بدست آمده آزمون t مستقل در روستابودگی بازنمودهای صوری فضای روستا بیانگر تفاوت سکونتگاه‌های دارای بهره برداری بزرگ مالک و روستاهای دهقانی با ضریب $1/66$ و سطح معناداری $0/003$ در گفتمان مردسالاری است. ضمن اینکه، همین آزمون در گفتمان مزارع خانوادگی نیز به تفاوت این دو بهره برداری در سکونتگاه‌های روستایی منطقه با ضریب $1/83$ و سطح معناداری $0/009$ اشاره دارد. در نهایت، آزمون تحلیل عاملی در بالا بر توزیع متفاوت سکونتگاه‌های روستایی در گفتمان مردسالاری و مزارع خانوادگی در چارچوب روستابودگی زندگی‌های روزمره فضایی روستایی فارغ از ویژگی‌های مکانی و مداخلات تکنوکراتیک دولت و مبتنی بر منافع و محدودیت‌های زندگی روزمره ساکنین محلی صحنه گذاشت.

جدول 5. مقایسه میانگین های ارکان روستابودگی موقعیت های فضایی روستا و هویت های جنسیتی با آزمون تحلیل واریانس

سطح اطمینان 95%		سطح معناداری	تفاوت میانگین	شاخص 2	شاخص 1	گفتمان
بیشینه	کمینه					
0/222	-1/312	0/157	-0/544	2	1	مردسالاری
-0/786	-2/457	0/000	-1/622	3		
1/312	-0/222	0/157	0/544	1	2	
-0/368	-1/785	0/004	-1/077	3		
2/457	0/786	0/000	1/622	1	3	
1/785	0/368	0/004	1/077	2		
1/258	-0/607	0/181	-0/671	2	1	مزارع خانوادگی
0/607	-1/423	0/012	-1/87	3		
0/607	-1/258	0/181	0/671	1	2	
0/127	-1/594	0/018	-1/28	3		
1/423	-0/607	0/012	2/03	1	3	
1/594	-0/127	0/018	1/28	2		

جدول 6. مقایسه میانگین های ارکان روستابودگی بازنمودهای صوری روستا و هویت های جنسیتی با آزمون t مستقل

سطح اطمینان 95%		میانگین تفاوت	سطح معناداری	df	t	F
بیشینه	کمینه					
1/821	0/400	1/110	0/003	28	3/202	1/66
1/987	0/234	1/110	0/017	11/515	2/775	
1/318	-0/295	1/561	0/009	28	3/407	1/83
1/246	-1/223	1/561	0/021	12/930	2/891	

6- نتیجه گیری

بطورکلی، در سایه لحاظ کردن مفهوم روستابودگی در مطالعات روستایی تفکر غالب هویت جنسیتی متمرکز بر گفتمان مردسالاری و تبعیت زن از مرد در جوامع محلی کمرنگ و سیالیت و انعطاف پذیری تقسیم کار جنسیتی (نابرابری/پویایی) در سکونتگاه های روستایی مشهود می گردد. مقاله حاضر بوسیله مفهوم روستابودگی به سازوکار ادغام چشم اندازهای اجتماعی و فرهنگی دست یافته و با حذف جهت گیری های مطلق و بیچاندن نسخه ای مشترک، موضوع تقسیم کار جنسیتی را با جغرافیای منطقه گره زده و با فضای متداخل همزیستی های جمعی و یا ماهیت های خرد و تعدد زندگی روزمره و نمایش های متنوع اخلاقی در تجزیه و تحلیل هویت های جنسیتی در بخش کشاورزی مواجه شده است. مقصود در اینجا نشان دادن فضایی است که به صورت کلافی سردرگم و متداخل جلوه گر شده و جریان های مختلفی از ماهیت های مکانی، تجربیات زندگی روزمره و اخلاقی در خود جای داده و بازنمایی های متفاوتی از هویت جنسیتی را در بخش کشاورزی به همراه داشته است. این فضا همواره خاصیت تغییرپذیری در گذر زمان را دارد و علاوه بر ساکنین محلی می تواند تحت تاثیر سازوکارهای خارج از منطقه نیز قرار گیرد. نتایج بدست آمده از منطقه مورد مطالعه نشان می دهد که ماهیت غالب جنسیتی در بخش کشاورزی گفتمان مردسالاری است اما در چارچوب

روستابودگی به صورت بازنمایی های متفاوتی انعکاس یافته و تقسیم کار کشاورزی مشترک و در برخی نقاط تاحدودی زن سالار را بوجود آورده است. وجود طیف گسترده ای از روستابودگی در این منطقه فضای پیچیده ای از هویت های عملکردی و چشم اندازی را عرضه داشته و گفتمان های اخلاقی متعددی را در ارتباط با چستی اشتغال زنان و مردان روستایی باعث شده است. این امکان وجود دارد که درباره سه فضای اجتماعی و فرهنگی با طرح گفتمانی و پیچیدگی های مختلف در هر مورد و بازنمایی های متفاوت جنسیتی در سکونتگاه های روستایی بخش قوشخانه بحث شود. اولین فضا با ویژگی های موقعیتی سکونتگاه های روستایی مرتبط است و خصوصیات مکانی منطقه را شامل می شود. در این چشم انداز، استقرار در موقعیت های جغرافیایی خاص روابط اجتماعی منحصر به فردی را به وجود می آورد و هویت های عملکردی جنسیتی منحصر به فردی را ایجاد می کند. در روستاهای واقع در مناطق روستایی به علت محدودیت های طبیعی و کوچکی زمین، بخش کشاورزی در اختیار زنان روستایی بوده و مردان به فعالیت های غیر کشاورزی در بخصوص مشاغل شهری اشتغال دارند. در سکونتگاه های روستایی تپه ماهور بیشتر فعالیت مشترک زن و مرد در زمین دیده می شود و زن در کنار مرد و در قالب مزارع خانوادگی به اشتغال کشاورزی مشغول است. روحیه مردسالاری در مناطق دشتی به علت وجود بهره برداری های بزرگ مقیاس و مکانیزه در بخش کشاورزی مشهود است و زنان روستایی در کارهای مزرعه دخالت چندانی ندارند. دومین فضا به علایق دولت در برنامه ریزی روستاها و به جریان های تکنوکراتیک که از خارج از منطقه بوسیله برنامه ریزان دولتی به بخش کشاورزی تزریق می شود، اشاره دارد. دولت در پی کشاورزی مدرن و بهره برداری های بزرگ مقیاس است؛ لذا به روستاهایی اهمیت می دهد که این قابلیت نهادینه کردن این هدف را دارند. به همین منظور، بهره برداری های بزرگ مالکی در معرض برنامه های تجاری سازی دولت قرار می گیرد و به سمت کشاورزی مکانیزه سوق داده می شود. با ورود تکنولوژی های جدید محیط کار کشاورزی بیشتر مردانه می گردد و زنان به حاشیه رانده می شوند. در مقابل در بهره برداری های خرده مالکی که خارج از فضای دولتی قرار دارند سازوکارهای عرفی حاکم است که در برخی موارد زنان در کنار مردان مشغول به فعالیت هستند و در دیگر موارد زنان به تنهایی عهده دار مسئولیت کشاورزی شده اند. سومین فضا فارغ از چشم انداز های مکانی و دولتی به تجربیات زندگی روزمره افراد اشاره دارد. در این فضا از روستابودگی منطقه مورد مطالعه سکونتگاه های روستایی در مواضع متفاوت/مشابه قرار دارند و ترجیحات متنوعی را در ارتباط با هویت جنسیتی عرضه می دارند. در مجموع، می توان انواعی مختلفی از روستابودگی فضای روستایی را در بخش قوشخانه شهرستان شیروان مشاهده کرد که هر یک نتایج منحصر به فردی از هویت های جنسیتی را در بخش کشاورزی ایجاد نموده اند. بنابراین، در پژوهش های جنسیتی در سکونتگاه های روستایی باید رویکرد جامع در پیش گرفت و باهم کنشی چشم اندازهای اجتماعی و فرهنگی را در نظر گرفت. از این رو مثلث سه گانه فضای روستایی هالفاکری با عناصر موقعیت های فضایی، مادیت فضایی و سازه های سیاسی و در نهایت زندگی اخلاقی و روزمره ساکنین محلی می تواند چارچوب مناسبی را برای تشخیص تفاوت های جنسیتی و تقسیم کار کشاورزی در جوامع محلی فراهم سازد و مطالعات و سیاستگذاری های روستایی را به سمت واقع گرایی و ویژگی های جغرافیایی منطقه هدایت کند.

منابع و مآخذ

1. احمدی شاپورآبادی، محمد علی و امیر مظفر امینی (1386)، اشتغال زنان روستایی در دو شهرستان برخوار - میمه و فلاورجان استان اصفهان و ارزیابی تأثیر آن بر خوداتکایی اقتصادی آنها، فصلنامه مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، سال ششم، شماره 13، ص 65-92.
2. پارسا، سمیرا، حاجی حیدری، نسترن و ابراهیم عباسی (1391)، شناسایی و بررسی مسائل و مشکلات معماری سازمانی در شرکت‌های منتخب ایرانی: پژوهشی ترکیبی، فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت فناوری اطلاعات، سال چهارم، شماره 13، ص 1-24.
3. جوان، جعفر، دلیل، سعید و محمد سلمانی مقدم (1392)، دیالکتیک فضای لوفور، نشریه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال سوم، شماره 12، ص 1-17.
4. کاظم زاده، حامد (1388)، مدرنیسم و تحول فرهنگی روستا، روزنامه شهروند، بخش فرهنگ، ص 9.
5. لهسایی زاده، عبدالعلی (1374)، نقش زنان در اقتصاد روستایی ایران، فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، سال یازدهم، شماره های 12 و 13، ص 43-63.
6. Barry, J., & Proops, J. (1999). Seeking sustainability discourses with Q methodology. *Ecological Economics*, 28(3), 337-345.
7. Behera, B. S., & Behera, A. C. (2013). Gender Issues: the Role of Women in Agriculture Sector in India. *International Journal Of Marketing, Financial Services & Management Research*, 2(9), 134-145.
8. Brandth, B. (2002). Gender identity in European family farming: A literature review. *Sociologia Ruralis*, 42(3), 181-200.
9. Bryant, L. (1999). The detraditionalization of occupational identities in farming in South Australia. *Sociologia Ruralis*, 39(2), 236-261.
10. Chiappini, S., & De Rosa, M. (2011). Consuming rural development policies: are there gender differences in Italian agriculture?. *Agricultural Economics Review*, 12(1), 56-68.
11. Davies, B. B., & Hodge, I. D. (2007). Exploring environmental perspectives in lowland agriculture: AQ methodology study in East Anglia, UK. *Ecological economics*, 61(2), 323-333.
12. Forsberg, G., & Stenbacka, S. (2013). Mapping Gendered Ruralities. *European Countryside*, 5(1), 1-20.
13. Halfacree, K. (2007). Trial by space for a 'radical rural': Introducing alternative localities, representations and lives. *Journal of Rural Studies*, 23(2), 125-141.
14. Heley, J., & Jones, L. (2012). Relational rurals: some thoughts on relating things and theory in rural studies. *Journal of rural studies*, 28(3), 208-217.
15. KELLER, J. C. (2014). "I WANNA HAVE MY OWN DAMN DAIRY FARM!": WOMEN FARMERS, LEGIBILITY, AND FEMININITIES IN RURAL WISCONSIN, US. *Journal of Rural Social Sciences*, 29(1), 75-102.
16. Little, J., & Panelli, R. (2003). Gender research in rural geography. *Gender, Place and Culture: A Journal of Feminist Geography*, 10(3), 281-289.
17. López-i-Gelats, F., Tàbara, J. D., & Bartolomé, J. (2009). The rural in dispute: Discourses of rurality in the Pyrenees. *Geoforum*, 40(4), 602-612.
18. Meijering, L., van Hoven, B., & Huigen, P. (2007). Constructing ruralities: The case of the Hobbitstee, Netherlands. *Journal of Rural Studies*, 23(3), 357-366.
19. Osterud, N. G. (1993). Gender and the transition to capitalism in rural America. *Agricultural History*, 14-29.
20. Paniagua, A. (2014). Rurality, identity and morality in remote rural areas in northern Spain. *Journal of Rural Studies*, 35, 49-58.
21. Rajé, F. (2007). Using Q methodology to develop more perceptive insights on transport and social inclusion. *Transport policy*, 14(6), 467-477.
22. Svendsen, G. L. H. (2004). The right to development: construction of a non-agriculturalist discourse of rurality in Denmark. *Journal of Rural Studies*, 20(1), 79-94.

23. Symes, D. (1991). Changing gender roles in productionist and post-productionist capitalist agriculture. *Journal of Rural Studies*, 7(1), 85-90.
24. Trauger, A., Sachs, C., Barbercheck, M., Kiernan, N. E., Brasier, K., & Findeis, J. (2008). Agricultural education: Gender identity and knowledge exchange. *Journal of Rural Studies*, 24(4), 432-439.
25. Tsheola, J. (2014). Paradoxes of Gendered Rurality, Women's Non-Economic Constructions, Disempowerment and State Capitalism in South Africa. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*, 3(1), 315.
26. UN WOMEN(2000), *Women2000 and Beyond: Rural women in a changing world: Opportunities and challenges*, Commission on the Status of Women, the Fourth World Conference on Women in Beijing (decision 41/101).
27. Zografos, C. (2007). Rurality discourses and the role of the social enterprise in regenerating rural Scotland. *Journal of Rural Studies*, 23(1), 38-51.

The multiplicity of the rurality and different representations of gender identity in the agricultural sector (case study villages in the Gooshkhaneh district, Shirvan County)

Abstract

Today, the dominant idea of gender identity in the agricultural sector of the village is focused on the patriarchal discourse. However, the identities of different gender (inequality / dynamics) is also evident in some of the rural women working alongside men, and in other, cases alone are responsible farm management. Based on the argument that each had its own logic rural settlements and Network of actors and institutions in a particular place; inevitably try to understand different representations of gender identity confusion on the subject of the settlement and its associated rurality. Therefore, the purpose of the present study supported the hypothesis of different representations of gender identity in the shadow of rurality this underlines the multiplicity environment of rural settlements Ghooshkhaneh district in the Shirvan county. Therefore, diversification of rural space and the discourse of gender identified through dialogue with the local population and conducted semi-structured interviews (Q methodology) were determined. Results of the study area shows, although the nature of the dominant patriarchal discourse of gender in agriculture, but in a different representation, rurality be reflected and and division of the common agricultural labor (men and women together) and in some areas it has created somewhat feminine.